



کتاب، کتابخانه ها و مجلات در کشورهای اسلامی

ترجمه 'سید حسن اسلامی

Perudica Islamica در کوالا لامپور. این نکته نیز افزودنی است که در پایان هر مدخل کتابشناسی آن آمده است. لیکن به دلیل در دسترس نبودن عناوین اصلی و ترجمه نشدن آنها، از نقلشان خودداری شد.

نشر کتاب

باید میان چاپ و نشر کتاب در کشورهای اسلامی و چاپ و نشر آثار اسلامی، تفاوت گذاشت. نخستین شامل چاپ آثار مسیحی از قرن هفدهم تا به امروز، همچنین انتشار کتابهای غیردینی چون کتابهای درسی، آثار ادبی و مجلات عمومی می شود که ریشه های همه آنها به قرن هیجدهم استانبول و چاپخانه بولاق قاهره در قرن نوزدهم می رسد. دومی؛ یعنی نشر اسلامی که موضوع این مدخل است - در نیمه دوم قرن نوزدهم گسترش یافت؛ با آغازی فروتنانه تا به دست آوردن حضوری کوبنده در وضع نشر خاورمیانه امروز.

یکی از دلایل تأخیر در چاپ آثار اسلامی، اکراه سنتی نسبت به تأسیس چاپخانه ای برای آثار دینی بود. ابراهیم متفریکای مشهور (۱۶۷۴-۱۷۵۴م) پیشنهاد چاپ در خاورمیانه بیش از یک دهه را صرف قانع کردن سلطان عثمانی و شیوخ او کرد و کوشید

به تازگی دایرةالمعارف چهارجلدی درباره جهان معاصر اسلام و با عنوان The Oxford Encyclopedia of the Modern Islamic world زیر نظر جان. ل. اسپوزیتو در آمریکا منتشر شده است.

نویسندگان مدخلهای این دایرةالمعارف از ملیتها و کشورهای مختلف - از جمله کشور خودمان - هستند. مدخلهای این دایرةالمعارف اگرچه گاه بسیار کوتاه و موجز است، به دلیل تازه بودن و داشتن اطلاعات جدید، خواندنی است. گفتگو درباره این دایرةالمعارف و ارزیابی آن مجال دیگری می طلبد. در اینجا سه مدخل که از جهت موضوع ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند، انتخاب و ترجمه شده است. مدخلهای نویسندگان آنها به ترتیب عبارتند از: ۱- نشر کتاب Book Publishing جلد اول، ص ۲۲۶-۲۲۹ نوشته مایکل دبلیو. آلبین (رئیس بخش سفارش کتابخانه کنگره آمریکا)، کتابخانه ها libraries، جلد سوم ص ۲-۴، نوشته یحیی منسترا (کتابدار دانشگاه بین المللی اسلامی مالزی) و متون ادواری Perudical literature جلد سوم، ص ۳۰۸-۳۱۱، نوشته منور احمد انیس سردبیر

به آنها ثابت کند که چاپ نه تنها خطری برای فرهنگ اسلامی ندارد که حتی می تواند برای رویارویی با قدرتهای اروپایی، منافی را متوجه دولت عثمانی کند. او در سال ۱۷۲۰ میلادی در رساله خود درباره چاپ استدلال می کند که مسلمانان بهتر از مسیحیان یا یهودیان کتاب مقدس خود را حفظ کرده اند، اما کتابها در اثر مصیبتهایی چون حمله مغول یا اخراج از اسپانیا از بین رفته است. از جمله امتیازهای چاپ این است که آموزش را میان مسلمانان توسعه می دهد؛ کتابها ارزانتر و در نتیجه میان مردم گسترده تر می شود؛ خواندن آنها آسانتر و دوامشان بیشتر است و سلطان عثمانی می تواند با حذف آثار فسادبرانگیز و انحرافی چاپ شده در اروپا، منافع این صنعت را متوجه مسلمانان کند و اعتبار لازم را به دست آورد.

سالهای بعد موفتیریکا اجازه یافت چاپخانه ای دایر کند، مشروط بر آنکه از چاپ آثار دینی بپرهیزد و او با صراحت این شرط را پذیرفت. این محدودیت آشکار درباره چاپ آثار دینی چون قرآن، حدیث و فقه، چاپگران مسلمان و ناشران را بیش از صدسال عقب انداخت. شیوخ با اعتماد به کنترل خویش بر ساختار آموزش سنتی، دلیلی برای اصلاح ارتباطات از طریق صنعت چاپ نمی دیدند؛ خطبه های نماز جمعه، مدرسه و نسخه های خطی، علوم به دست آمده را حفظ می کردند و وسیله ای برای نگهداشت دیانت مردم بودند. این شیوه برای مسلمان ناآگاه فرهنگ مطمئنی به شمار می رفت، در حالی که ایده های دینی جدیدی همچون ایده های ابن تیمیة (۱۲۶۳-۱۳۲۸ م) یا محمد بن علی سنوسی (۱۷۸۷-۱۸۵۹ م)، از طریق نفوذ مبلغان یا جلسات صوفیان که در سطحی وسیع برای توده های بی سواد تشکیل می شد، به تدریج رسوخ می کرد.

به طور کلی، چاپ در زمینه موضوعات اسلامی در مناطق اصلی اسلامی (امپراتوری عثمانی و ایران) و به زبانهای اصلی اسلامی (عربی، فارسی و ترکی) تا نیمه دوم قرن نوزدهم پدیدار نگشت. در استانبول موفتیریکا و جانشینان بلافصل او هیچ کتابی در موضوعات اسلامی چاپ نکردند و در طول قرن نوزدهم نشر در استانبول خصلت غیردینی خود را حفظ کرد. اگرچه شواهدی دال بر زمینه عکس العمل در برابر اروپایی شدن در قالب رساله های چاپ سنگی بر ضد نوآریهای غربی چون تلگراف و کشتی بخار وجود دارد.

در مصر نیز قضیه چندان تفاوتی نداشت. در آنجا تأکید بر موضوعات مربوط به تکنولوژی مدرن با حضور تاریخ و آثار ادبی بود. محمدعلی پاشا (۱۷۷۰-۱۸۴۸ م) چاپخانه معروف خود را در بولاق به سال ۱۸۲۲ تأسیس کرد. محمدعلی که

عملاً مستقل از استانبول و پیش از آنکه به مباحث لاهوتی گرایش داشته باشد، مردی عملگرا بود، صنعت چاپ را برای هدف بزرگتری می خواست، یعنی تأسیس دولتی مدرن که قدرت بازدارندگی در برابر قدرتهای اروپایی و نیز سلطان عثمانی را داشته باشد. از این رو چاپخانه بولاق طی دوران شکوفایی خود، میان سالهای ۱۸۲۲-۱۸۴۰ بر کارهایی که ارزش عملی داشت متمرکز گشت و کتابهای اندکی با محتوای دینی چاپ کرد.

ایران مسأله کاملاً متفاوتی است. در آنجا چاپخانه در سال ۱۸۱۲ به خواست برخی افراد غیرمسلمان به تبریز وارد شد. اگرچه انگیزه چاپ عمدتاً غیردینی بود، انتشارات دینی بیشتر از استانبول یا قاهره آغاز شد. مدرکی نشان می دهد که «منوچهرخان» نامی، کتابهای دینی را در تهران در دهه بیست قرن نوزدهم چاپ می کرد. «زاد المعاد» راهنمای ادعیه و زیاراتی که محمدباقر مجلسی رهبر مذهبی پرکار قرن هفدهم آن را نوشته است - نزدیک به بیست بار در تهران، تبریز و لکنهو در هند چاپ شد. با این همه گسترش صنعت چاپ، حتی پس از تأسیس نخستین مدرسه ای که نظام تعلیماتی اروپایی را به کار گرفت؛ یعنی دارالفنون یا انسیستوی پلی تکنیک در سال ۱۸۵۱ به کندی صورت گرفت. کتابهای درسی، جزوات و ترجمه هایی از زبانهای اروپایی برای این مدرسه مورد نیاز بود. اما تکنیک و متدهای چاپ، به ناشران خصوصی امکان تولید کتاب را در موضوعات متنوعی از جمله موضوعات دینی فراهم می کرد. قطعاً روحانیت از کادر وسیعی از افراد تحصیل کرده و بانفوذ برخوردار بود. آنان به آرامی چاپ را به عنوان ابزاری برای تبلیغ عقاید دینی به کار گرفتند و به تواناییهای آن در جریان قیام تنباکو در دهه نود قرن نوزدهم بخوبی پی بردند. اگرچه ما درباره علت این تغییر چیز زیادی نمی دانیم، اما این را می دانیم که در پایان این قرن آثار دینی، دایمی ترین فروشندگان را در کشور داشت.

تعیین دقیق زمانی که صنعت چاپ در منطقه به نشر تبدیل شد، دشوار است؛ زیرا نخست تمایز میان این دو فعالیت، ظریف است و دوم آنکه تحقیقات بیشتری درباره حیات فرهنگی میان ۱۸۶۰ تا پایان این قرن مورد نیاز است. به نظر می رسد که چاپگران دولتی مهارتی درباره آنچه بایست چاپ می کردند و در اختیار خوانندگان قرار می گرفت، نداشتند. به این معنا هیچ یک

کتابهایی که به وسیله چاپخانه های قویتر دولتی که به دلیل کیفیت خوب و امکان حفاظت آنها در کتابخانه ها، همچنان خوانندگان به دنبال آنها بودند، با طرحی خام و شکلی ضعیف درباره موضوعات دینی عرضه می شدند و از این رو محکوم به فنا بودند. می توان گفت، انتشارات معاصر، فراتر از انتظار مسلمانان برای تبلیغ عقاید هنگامی که دانش مردم و اعمال اسلامی آن را ضعیف دیدند، رشد کرد. بی توجه به آغاز این نقطه عطف، نتیجه اش ریزش و فراوانی کتابها چه از نظر گستره موضوعی و چه گستره جغرافیایی بدان حد بود که امکان ندارد این پدیده را در این مختصر بررسی کرد.

می توان تمایزی میان کارهای «ترائی» و «تبلیغی» قائل شد ناشران هریک، منشورات خود را به این یا آن حوزه اختصاص دادند. یوسف البستانی ناشری پیشرو در قاهره در کاتالوگی که در سال ۱۹۳۴ منتشر کرد، عنوانهای اندکی در موضوع دوم عرضه کرد، اما گرایش مشخصی به موضوع نخست به نمایش گذاشت. کارهای «ترائی» غالباً شامل تجدید چاپ آثار کلاسیک علوم اسلامی است. گاه نیز موضوعات داغ عرصه را تسخیر می کردند و به چاپ می رسیدند. مانند اثر جدلی مصطفی الکرملی در سال ۱۹۲۱ بر ضد وهابیان با عنوان «رسالة السنین».

در سالهای بعد ناشران خصوصی در قاهره و بیروت نشر هر دو نوع کتابها را برای بازار عمومی آغاز کردند. با گسترش سواد، هر دو نوع از مکتوبات اسلامی می توانست برای آنان سودآور باشد. همچنین ناشران مصری به دلیل نزدیکی شان به الازهر و مجامع وابسته به آن کارشان رونق یافت. آنان با عرضه چاپهای ارزانی از آثار کلاسیک برای استفاده دانشجویان به بازار خود، گرمی بیشتری می دادند. اینک آثاری در همه شاخه های دانش اسلامی به مرحله چاپ رسیده و در کیوسکها و بازارهای رنگین کتاب در محله الازهر در قاهره عرضه می شود. در همه کشورهای اسلامی مشتاقانه در جستجوی این چاپها هستند.

ناشران دولتی نیز، نشر در این حوزه را ادامه می دهند. برخی ناشران مانند «الهیة المصرية العامة للكتاب» کتابهای خود را از طریق کتابفروشیهای دولتی یا کتابفروشان خصوصی به فروش می رسانند. دیگران مانند وزارتخانه های فرهنگ یا اداره موقوفات مذهبی در عمان، مراکش و ایران همچنان این شیوه دیرینه را دنبال می کنند که آثار خود تنها میان محققان و جماعتی تحصیل کرده، توزیع می کنند.

ناشرانی چون «دارالغرب الاسلامی» و «دارالجمیل» از نظر فنی بزرگترین و موفقترین ناشرانی هستند که در بیروت به نشر کارهای «ترائی» مشغولند. جنگ مصیبت بار لبنان از سال

از چاپخانه های اولیه دولتی حقیقتاً ناشر نبودند. نشر بیش از همه تجارت کتاب است و ناشران موفق نیازمند عرضه ثابت عناوینی از سوی نویسندگان یا ذخیره آثار کلاسیک موجود، مهارت در شیوه و تکنیک تولید ماشینی (مراد، چاپ کردن است)، بازاریابی و گستره خوانندگان بودند که هیچ یک از اینها پیشتر وجود نداشت.

مصر در دوران حاکمیت عباس و اسماعیل ممکن است حق مطلب را ادا کرده باشد. دوره بحرانی میان چاپ و نشر به نظر می رسد در زمان حاکمیت خدیو عباس (یعنی از ۱۸۴۹ تا ۱۸۵۴) و خدیو سعید (از ۱۸۵۴ تا ۱۸۶۳) پدیدار شد. این دوران برای نشر در مصر، دورانی پر آشوب به شمار می رود. چاپخانه بولاق که در سالهای آخر حاکمیت محمدعلی به حال احتضار افتاده بود، بسختی با بستن قراردادهای چاپ، جانی دوباره یافت. از این گذشته چاپخانه های رقیب - چه دولتی و چه خصوصی - برای کار رقابت می کردند. اشخاص با این چاپخانه ها برای چاپ آثار دینی و ادبیات کلاسیک به زبانهای عربی و ترکی قرارداد می بستند. در این زمان شیوخ، محافظه کاری پیشین خود را در قبال صنعت چاپ کنار گذاشته بودند، مثالهای متعددی از اقدام آنان برای سرمایه گذاری در زمینه چاپ کتاب به دلایل اخلاقی و سوددهی مالی آن، خبر می دهند. یکی از پرفروشترین و موفق ترین ناشران آن روزگار «بدر المنیر» بود. علاوه بر دیگر آثار قرن دهم، چهارده اثر دانشمند شافعی، عبدالوهاب الشعرانی طی سالهای ۱۸۵۸-۱۸۶۱ (پاره ای به وسیله ناشران خصوصی و برخی هم در چاپخانه بولاق طبق قراردادهای خصوصی) به چاپ رسید. در این دوران بود که اقدام مخاطره آمیز برای چاپ قرآن شکست خورد. دیگر کتابهای اساسی درباره عقاید اسلامی که به چاپ رسیدند، عبارت بودند از صحیح بخاری (در ۱۸۵۳) که مجموعه اساسی احادیث پیامبر است؛ فتوحات مکیه ابن عربی (در ۱۸۵۷) و همچنین روح البیان فی تفسیر القرآن کاری مردم پسند نوشته اسماعیل حقی در کنار دیگر کارها در سال ۱۸۵۹ چاپ شد. افزون بر مشکل چاپ سنگی، کتابشناسی جامعی از آنچه بسختی چاپ شد، روح چاپ را در آن زمان نشان می دهد. به دلیل ارزانی تکنولوژی این نوع چاپ، ایران، مصر و ترکیه شاهد گسترش آثار پر طرفدار بودند. این کتابها برخلاف

۱۹۷۵ تا ۱۹۸۵ بر این چاپگران و ناشران تجاری آثار اسلامی تأثیر چندانی نداشت، چرا که بازار وسیعی در خلیج [فارس] و شبه جزیره عربستان برای عنوانی گشوده شد که بیشتر یا کمیاب بود و در ردیف گنجینه های خطی پنهان گشته بود و یا در صورت چاپ از رده خارج شده بود و دیگر در دسترس نبود. این عناوین بیشتر به صورت چند جلدی و معمولاً با جلدهایی از چرم مصنوعی و مزین به خوشنویسی و زرکوب، برای هرکسی که یکی از کتابفروشیهای کشورهای مسلمان یا مغازه های ویژه خاورمیانه در ایالات متحده اروپا را دیده باشد، آشناست.

آثار «تبلیغی» نیز ناشران و خوانندگان خود را دارد. این مقوله گسترده از آثار شامل تفسیر عمیق و روشنفکرانه ای از حیات روحانی و فرهنگی اسلام می شود؛ مانند آثار محمد غزالی و محمد عماره از مصر، که «دارالشروق» آنها را منتشر کرده است. فارغ التحصیلی از «دارالعلوم» دانشگاه معتبر قاهره به نام محمد المعلم این شرکت انتشاراتی برجسته را در سال ۱۹۵۱ پایه گذاری کرد. در آغاز نام شرکت «دارالکلام» بود و بلافاصله سودآور شد. موفقیت آن توجه مقامات دولت سوسیالیستی جمال عبدالناصر را جلب کرد و آنان شرکت را ملی کردند. المعلم شرکت دولتی شده را مدت کوتاهی سرپرستی کرد و پس از آن در شرکت انتشاراتی جدید و مستقلی سرمایه گذاری کرد و آن را «دارالشروق» نامید. او زمانی کوتاه به سبب بی باکی خود زندانی شد و پس از آزادی، مصر را به سوی بیروت ترک کرد و در آنجا به نشر آثار برانگیزاننده نویسندهگان مسلمانی چون سید قطب ادامه داد و پس از مرگ ناصر به مصر بازگشت. اینک «دارالشروق» در مصر، لبنان و عربستان شعبه دارد و کتابهای «تراثی» و «تبلیغی» را منتشر می کند.

امروزه هر کشور عرب و مسلمان صاحب مراکز انتشاراتی در زمینه آثار تراثی و تبلیغی است. همچنین هریک برگزیده ای از مجلات دینی پر طرفدار و به صورت بخش دین در پیوندهای عمومی دارد. مثلاً از «مجله الازهر» در مصر تا تفسیر سیاسی از دیدگاهی اسلامی در تمام مسائل بزرگ روزانه مصر، گسترش یافته است.

در ترکیه بار دیگر دین موضوعی مطلوب همگان و منبعی سودآور برای ناشران و کتابفروشان شده است. آثار ترجمه شده از عربی به ترکی معاصر، کتابفروشیهای استانبول را پر کرده است. مسلمانان ترکیه اینک امکان دسترسی به نوشته های مسلمان مصری، شهید سید قطب را یافته اند. در حالی که همچنان در انتظار ترجمه آثار فاتح مصری نویل، نجیب محفوظ هستند.

آمار نشر کتابهای دینی به صورت درصدی از همه انتشارات کشورهای اسلامی در دسترس یا به گونه مفیدی دقیق نیست،

لیکن ناشران منطقه متفقاً بر این باورند که موضوعات دینی طی پانزده سال گذشته بر تجارت نشر مسلط بوده است. اغراق آمیز نیست اگر گفته شود که درآمد حاصل از کتابهای دینی است که بسیاری از ناشران یا کتابفروشان را به نان و نوایی رسانده است.

ترجمه انگلیسی کتابهای کلاسیک مربوط به عقاید اسلامی و همچنین آثار آموزشی و دینی، اخیراً گسترش عام یافته است. آثار کلاسیک موجود به زبان انگلیسی و در دسترس شامل ترجمه های متعددی از قرآن به همراه تفسیرهایی از شخصیتهای مبرزی چون مرحوم ابوالاعلی مودودی پاکستانی و مبلغ مصری محمد متولی الشعراوی است.

گزیده آثاری از مجموعه متون اسلامی چون زندگانی پیامبر، حدیث، اصول فقه و راهنماهای ادعیه، حج و دیگر شعائر نیز در دسترس است. این آثار از برکت شرق شناسان غربی و دانشمندان مسلمان بویژه از شبه قاره هند قابل دسترسی است. آثار سید قطب و معلم و نویسنده ایرانی علی شریعتی، متفکران مسلمانی نیمه قرن بیستم که زمانی آثارشان در کشورهایشان ممنوع بود و خود به شهادت رسیدند، نیز به زبان انگلیسی در دسترس است.

سرانجام، در بررسی نشر اسلامی امروز، نشر آثار سمعی و بصری را هم باید به شمار آورد. اعمال مذهبی مسلمان در این گونه های نسبتاً نو ثبت می شود. مستندسازان در پی نشان دادن غنا و تنوع حیات روحانی و فرهنگی مسلمانان، از جنوب شرقی آسیا تا آفریقای غربی، به بینندگان انگلیسی زبان هستند. بی شک این رسانه ها می توانند بشدت مؤثر باشند؛ نقش آنها در انتقال پیام آیه الله [امام] خمینی از تبعیدگاه به هموطنان خود در سطح وسیعی مورد توجه قرار گرفته است. همچنین مسلمانان از تلویزیون کابلی و کانالهای عمومی کوچک و تجاری در ایالات متحده استفاده می کنند. همه اینها باید به عنوان جدیدترین شکل حرکتی شناخته شود که فروتنانه یکصد و پنجاه سال پیش در چاپخانه های کوچک آغاز شده بود.

کتابخانه ها

همچون دیگر مظاهر تمدن اسلامی، کتابخانه های اسلامی چنان گذشته شکوهمندی داشته است که مسلمانان امروز می کوشند به آن سطح دست یابند. دانش دوستی مسلمانان، بطور طبیعی فرهنگ کتابت و حفاظت از کتابها را پدید آورد.

در آنجا معمول شد. این تکنیک از آنجا به سمت غرب سرزمینهای اسلامی؛ یعنی دمشق، قاهره و اسپانیا گسترش یافت و ناگهان کاغذ به صورت گسترده‌ای مورد استفاده و در دسترس قرار گرفت. تولید و توزیع کتابها با حرفه و شخص «وراق» گره خورده بود؛ فروشنده کاغذ، استنساخ کننده، کتابفروش و در موارد بسیار دانشمند و نویسنده‌ای به معنای واقعی کلمه.

ابن ندیم، وراق نامدار در سال ۹۸۷ میلادی کتابشناسی عظیم و برجسته‌ای با عنوان «الفهرست» تدوین کرد و در آن هر کتابی را که به دست گرفته، دیده و یا درباره آن مطلبی خوانده بود، توصیف نمود. این کتاب همچنان به عنوان مرجعی برای مطالعه تاریخ و فرهنگ کتابخانه آن دوران به شمار می‌رود.

نقطه عطف کتابشناختی بعدی، کار کاتب چلبی استانبولی (۱۶۰۹-۱۶۵۷) بود که گاه به عنوان حاجی خلیفه شناخته می‌شود. این کتابشناس با دیدن کتابخانه‌های بزرگ استانبول «کشف الظنون» را نوشت و در آن حدود ۱۴۵۰۰ عنوان را براساس ترتیب الفبای عنوان، توصیف کرد. این کتاب همچنان نگاهی مختصر به علوم و هنرها داشت.

بعدها بتدریج کتابخانه‌های بزرگ بر اثر بی‌توجهی یا الحاق مجموعه‌های خود به مجموعه‌های دیگر از هم پاشیدند. کتابها همواره در معرض خطرات و نابودی ناشی از حوادث طبیعی چون آتش، سیل، پوسیدگی و مانند آنها بود. همچنین تخریب و سوزاندن کتابها به وسیله مغولها در بغداد و بازجویان دادگاههای تفتیش عقاید در اسپانیا را نباید فراموش کرد.

دوران استعمار اروپایی شاهد انتقال هزاران نسخه خطی از جهان اسلام به کتابخانه‌ها و مجموعه‌های خصوصی غرب بود. مهمترین کتابخانه‌هایی که اینک این نسخه‌ها را در خود دارند، عبارتند از: کتابخانه انگلستان، بیبلیوتک ملی فرانسه و کتابخانه دانشگاه پرینستون.

برخی مجموعه‌های خطی قابل توجه در جهان اسلام، امروزه در کتابخانه‌های «توپکاپی سرای» و «سلیمانی کتبه‌نسی» در استانبول، کتابخانه آیه‌الله مرعشی در قم و کتابخانه عمومی شرقی خدابخش در پانتال هند، قرار دارند. این مجموعه‌ها حلقه اتصال مهمی میان گذشته شکوهمند و حال ناخوشایند به شمار می‌روند.

چاپ کتاب دیر به جهان اسلام وارد شد. نگهداری و فهرست نویسی سنتی مخطوطات ارتباط ضعیفی با عملیات کتابداری مدرن و کنترل کتابشناختی (سیستمهایی که به کاربران امکان شناخت، تعیین محل و دستیابی به اثر مورد نظر را

امروزه گستره ادبیات مکتوب چنان چالشهای گوناگونی زاییده است که کتابداران مسلمان بر آن شده‌اند برای یافتن راههای مناسب مدیریت کتابشناختی آنها بکوشند.

قرآن کریم، برای نخستین بار فرهنگ کتابت را جایگزین فرهنگ شفاهی عربها کرد. همزمان با آغاز سنت هدیه کردن قرآن به مساجد به وسیله مسلمانان، عملیات نگهداری مواد مکتوب گسترش یافت؛ به دلیل نیازهای مذهبی، سواد رایج شد و کاتبان حرفه‌ای پا گرفتند. قرآن کریم با فرمان «اقرا» زمینه لازم برای تولید آموزش، ادبیات و رشد سازماندهی و مدیریت مجموعه‌های کتاب؛ یعنی کتابخانه‌ها را فراهم کرد.

نخستین کتابخانه‌ها در دوران اموی پدیدار شد. کتابهای کم اما فعالیتهای ادبی و مجموعه‌سازی قابل ملاحظه‌ای از آن روزگار به جا مانده است. خالد بن یزید (متوفای ۷۰۴) مردی ادیب و کتاب‌بازی حرفه‌ای بود. نخستین مجموعه‌ها متعلق به کتابخانه‌های مساجد و کتابخانه‌های خصوصی بود و بعدها نوبت به کتابخانه‌های خلافتی، آکادمیک و کتابخانه‌های عمومی رسید. مساجد غالباً تأمین کننده اصلی خدمات کتابخانه‌ای بودند.

منصور دومین خلیفه عباسی (خلافت ۷۷۵-۷۵۴م) دارالترجمه‌ای در بغداد تأسیس کرد که زمینه مناسبی بود برای پیدایش کتابداری کلاسیک اسلامی؛ یعنی «بیت الحکمة» که در سال ۸۲۰م به دست مأمون (خلافت ۸۱۳-۸۳۳) ایجاد گشت. بیت الحکمة تنها کتابخانه نبود، بلکه به ترجمه متون متعلق به دیگر تمدن‌ها نیز ادامه می‌داد و دربرگیرنده مجمعی از دانشمندان بود و بدین ترتیب مرکزی برای تبادل اطلاعات و شناخت جهان اسلام و دادوستد فرهنگی به شمار می‌رفت. دیگر حاکمان این دوران نیز مراکزی مشابه آن ایجاد کردند؛ مانند دارالعلم حکیم به دست فاطمیان در قاهره و کتابخانه بزرگ اسپانیای دوران اموی در کوردوا که حدود چهارصد هزار جلد کتاب داشت. همچنین شکوفایی مدارس، گسترش مهم کتابخانه‌های آکادمیک را با خود به همراه داشت.

تولید انبوه کتاب و تحصیل آنها به وسیله کتابخانه‌ها در حجم بالا، تنها پس از جایگزینی کاغذ به جای پوست - که گرانتر بود - ممکن گشت. در نیمه قرن هشتم میلادی صنعت کاغذسازی از طریق چین به جهان اسلام وارد شد و ابتدا در سمرقند معرفی و

می دهند) دارد. کنترل کتابشناختی شامل فهرست نویسی، طبقه بندی، نمایه سازی و همچنین تولید کتابشناسیها و فهرستهای راهنما می شود. همه این گونه فعالیتها در کشورهای جز ایالات متحده، «دکوماناسیون» [دبیزش، سندآرای، طبقه بندی اسناد، گردآوری، سازمان دادن و اشاعه دانشهای تخصصی] نامیده می شود.

روی هم رفته کتابداری اسلامی در طول قرن بیستم در وضع اسفباری به سر می برد. چاپ کتاب و دیگر مواد مکتوب در جهان اسلامی در حال شکوفایی است، ولی توان کتابداران مسلمان برای به دست آوردن این مواد به مقدار لازم، محدود است. هر چند که این مشکل ناشی از عدم صداقت، تفکر جدی و یا همدلی میان کتابداران مربوطه نیست.

در طول دوران استعمار، کتابخانه های مدرنی به دست اروپاییان در کشورهای اسلامی تأسیس و اداره شد. همچنین به فاصله کمی پس از دوران استعمار کتابداران حرفه ای بریتانیایی بر کتابداری مستعمره های قبلی بریتانیا مسلط بودند. اما اینک آموزش کتابداری به اندازه کافی در کشورهای اسلامی پیشرفت کرده است که کتابداران مسلمان خود این رشته را رهبری کنند. پاکستان و مصر خصوصاً به سبب آموزش کتابداری خویش مورد توجه هستند و این دو کشور صادرکنندگان عمده کتابداران حرفه ای و آموزش دیده و مجرب به منطقه خلیج فارس به شمار می روند.

موضوعاتی چون فهرست نویسی، طبقه بندی، کتابخانه ملی و قوانین کتابخانه عمومی که جهان انگلو-آمریکایی خیلی پیشتر بدانها پرداخته بودند، همچنان برای مسلمانان چالشهای سختی برمی انگیزد. رهیافت اسلام-محوری به طبقه بندی و سرعنوانهای موضوعی، هنوز همچون رویایی است که از تحقق عملی دور است. طبقه بندی دهدهی دیویی، در عین نامناسب بودن، غالباً با تغییراتی محلی به وسیله کشورهای مسلمان مورد استفاده قرار گرفته است، ولی اینک طبقه بندی کتابخانه کنگره همراه با سرعنوانهای موضوعی خود در حال کسب شهرت و مقبولیت است. مسلمانان همچنان در پی ارائه طبقه بندیهای اسلامی هستند، اما هیچ یک کارآیی خود را برای استفاده عمومی به اثبات نرسانده است.

بیشتر کشورهای مسلمان موفق به احداث گونه ای کتابخانه ای ملی شده اند و برخی-مشخصاً مصر و تونس- اقداماتی جدی برای تهیه کتابشناسیهای ملی به عمل آورده اند. متأسفانه، به نظر می رسد کتابخانه های عمومی در بیشتر کشورهای جهان اسلام از اولویت چندانی برخوردار نیست و این

کتابخانه ها کلاً در بسیاری از کشورها کم هستند و غالباً این کتابخانه ملی است که به دلیل نبود متولی-خدمات کتابخانه عمومی را عرضه می کند. ترکیه، اردن، پاکستان و مالزی به سبب تأسیس کتابخانه های عمومی قابل ذکرند؛ در لاهور و کوالالامپور حتی کتابخانه های عمومی ویژه کودکان نیز وجود دارد. خانه ای در مکه که پیامبر اکرم-ص- در آن زاده شد به کتابخانه عمومی تبدیل شده است. کیفیت کتابخانه های آکادمیک، متغیر است، اما در مجموع اصلاحی ممتد، آرام و ثابت را نشان می دهد.

مهمترین مسائل کتابخانه های امروز؛ یعنی اتوماسیون، پرهیز از ریزش اطلاعات و بالاتر از همه مشارکت و شبکه ای کردن کتابخانه ها بویژه در جهان اسلام چالش برانگیزند.

عربستان سعودی و دیگر کشورهای خلیج فارس، به سوی مشارکت منطقه ای پیش رفته اند. پایگاه اطلاعاتی مستقیم آنان به نام «GULFNET» الگویی برای دیگر کشورهای اسلامی به شمار می رود. کتابخانه های مالزی نیز کامپیوتریز و شبکه ای شده اند.

مشارکت بین المللی، هماهنگ سازی فعالیتها و شبکه ای کردن کتابخانه های سراسر جهان اسلام، بزرگترین مسأله را تشکیل می دهد که با تمام گفتگوهای که درباره آنها شده است. حل آن همچنان دور به نظر می رسد. کنگره کتابداران و اطلاع رسانیان مسلمان کاملیس (Comlis) که قبلاً مقر آن در مالزی بود، برای بررسی این مسأله برگزار شد و اعضای آن تاکنون سه نشست داشته اند، لیکن بیشتر اوقات غیرفعال بوده است. سازمان کنفرانس اسلامی، مرکز تحقیقات تاریخ، هنر و فرهنگ اسلامی (IRCICA) را در یلدیز سرای در بیسکتاس استانبول تأسیس کرده است. این مرکز برخی کارهای مهم در زمینه کتابشناسی بین المللی اسلامی انجام داده است. هنوز مجله ای بین المللی و محققانه که وقف دانش کتابداری باشد وجود ندارد، اگر چه دست کم به یک مورد از آن سخت نیاز است.

در اسکندریه مصر، کارهایی در عرصه تأسیس کتابخانه بزرگ اسکندریه شده است و قرار است در سال ۱۹۹۸ به یادبود کتابخانه بزرگ باستانی اسکندریه در همانجا افتتاح شود (دیگر کسی بطور جدی در پی سرزنش کردن مسلمانان به خاطر ویرانی این کتابخانه نیست، زیرا بسیار پیشتر از آنکه مسلمانان وارد این

«العروة الوثقی» آغاز کرد که سید جمال الدین (۱۸۳۸-۱۸۹۷)، یکی از اصلاحگران بزرگ مسلمان آن را پایه گذاری کرده بود. نخستین شماره این روزنامه در ۱۳ مارس ۱۸۸۴ میلادی در پاریس منتشر شد. این حرکت به عنوان مقاومت مسلمانان در برابر استعمار، انگلستان را بحدی خشمگین کرد که حکومت عثمانی را متقاعد نمود از پخش آن جلوگیری کند، در هندوستان حاکمان انگلیسی جریمه سنگینی معادل صد لیره و دو سال زندان به عنوان کیفر داشتن این روزنامه وضع کردند و مصر نیز کیفر مشابهی وضع نمود.

بر اثر افزایش فشارها، این جریده پس از هفت ماه و انتشار هیجده شماره در ۱۷ اکتبر ۱۸۸۴ متوقف گشت. اخیراً دکتر عبدالحکیم طیبی، یکی از پیروان افغانی با انتشار دو ماهانه ای با همین نام در ژنو، خاطره افغانی را همچنان زنده نگه داشته است. احساسات پان اسلامیک افغانی بازتاب جدید بیشتری در «Muslim world» (کراچی) که بوسیله مؤتمر العالم الاسلامی منتشر می شود و «Muslim world league Journal» که رابطه العالم الاسلامی آن را در مکه مکرمه منتشر می کند، داشته است. به عنوان مطلع انتشار مجلات علمی به وسیله مسلمانان، «Islamic culture» که در سال ۱۹۲۷ با حمایت سلطان حیدرآباد دکن (هندوستان) منتشر شد، نمونه چشمگیری به شمار می رود. نخستین سردبیر آن محمد مردوک پیکتال، مسلمان نامدار انگلیسی بود که ترجمه قرآن او بعدها حقیقتاً اثری کلاسیک قلمداد شد. پس از مرگ پیکتال این مجله در دستان توانای مسلمانی لهستانی و یهودی تبار به نام محمد اسد قرار گرفت که ترجمه قرآن و شرح صحیح بخاری او بعدها برایش جایگاهی احترام آمیز در میان مسلمانان به ارمغان آورد. نزدیک به نیم قرن «Islamic culture» (فرهنگ اسلامی) بی رقیب ماند. انتشار این مجله اخیراً متوقف شده است.

پس از استقلال پاکستان، چندین مجله از جمله «Islamic literature» (ادبیات اسلامی)، «Islamic studies» (مطالعات اسلامی)، «اقبال ریویو» و همدرد اسلامیکوس، شهرتی کسب کرد. اسلامیک لیتریچر به دلیل گستراندن روح بنیانگذار آن شیخ محمد اشرف، یگانه بود و با مرگ او نیز مرد. شیخ متهورانه دست به ابتکاری زد و نوشته های علمی مسلمانان را منتشر کرد. اسلامیک استادیز و «فکر و نظر» همتای آن به زبان اردو، همچنان می کوشند، خلا باقی مانده از فقدان اسلامیک کالچر و اسلامیک لیتریچر را پر کنند. «اقبال ریویو» خود را به عنوان تنها و مهمترین منبع تحقیقی درباره فلسفه علامه محمد اقبال متمایز ساخته است. همدرد اسلامیکوس و همتای آن مجله «همدرد

شهر شوند، این کتابخانه ویران شده بود)، اگر چه به نظر می رسد این کتابخانه مشخصاً درباره اسلام نباشد، انتظار می رود که یکی از بزرگترین مخازن کتابخانه ها را با آخرین تکنولوژی اطلاعات داشته باشد. بنابراین می توان امیدوار بود که کتابداری اسلامی از آن بهره ببرد.

برای رویارویی با این چالشها و پیروزی بر آنها، دانش کافی وجود دارد، تکنولوژی بسادگی دست یافتنی است و سرمایه لازم قابل تأمین است. آنچه کتابداران مسلمان را سردرگم کرده است، فقدان سازماندهی، عدم مشارکت و نداشتن ابتکار عمل برای حرکت به سوی این هدفهاست. گویی تفرقه سیاسی در جهان اسلام، در پراکندگی کتابداری منعکس شده است؛ پیشرفت وجود دارد، اما با کندی.

متون ادواری

کوشش برای تحدید و تعریف «متون ادواری اسلامی» اگر محال نباشد، دشوار است. به کار گرفتن اصطلاح «متون عربی» به عنوان معادل «متون اسلامی» و توسعه دامنه آن تا حدی که متون فارسی و ترکی را نیز دربر بگیرد، از سالها پیش، سنت شرق شناسی بوده است. با این حال اردو و مالایی توجهی را که لازمه دوزبان متعلق به حدود نیمی از مسلمانان جهان است، کسب نکرده است. برای اهداف فعلی، ما متون اسلامی را به عنوان پیکره متون مسلمانان به هر زبانی که باشد تعریف می کنیم و خود را به مباحث فنی این موضوع محدود نمی سازیم.

غیر از تولیدات ادبی مسلمانان، اسلام همچنان دینی است که بیشترین مطالعه درباره آن، به وسیله غیر معتقدان به آن صورت گرفته است. با وجود پیشداوریهای ایدئولوژیک سرشتی شرق شناسی، ندیده گرفتن مجموعه کارهای آن نسنجیده خواهد بود؛ اگر چه کاری را به صرف اینکه درباره اسلام یا مسلمانان است، نمی توان بسادگی و مستقیماً آن را بخشی از متون اسلامی دانست. چنین کارهایی هر چند در این قلمرو است، باید آن را فاقد روح ایمان دانست که خود مشخصه مرکزی کارهای ادبی اسلامی را تشکیل می دهد. نگاه گذرای زیر بر آن است تا این روح اصلی را در پیکره گسترده پیاپیهای اسلامی مدنظر داشته باشد.

متون ادواری اسلامی، نخستین تجربه خود را با انتشار

مدیکوس» موقوفه ابدی حکیم محمدسعد را بازمی تابانند. آنان مانند مؤسسه وقف دیانت ترکیه (در استانبول) اظهار می دارند که همان گونه که سنت وقف در دوران شکوفایی مسلمانان نقش موفقی در گسترش دانش داشت، امروزه نیز می تواند چنین کند و این سنت منسوخ نشده است. برخی دیگر از مجلات برجسته پاکستان عبارتند از «Universal Message» (پیام جهانی)، قرآن الهدی، «Islamic Order» (نظم اسلامی) و مجاهدین (در پشاور).

مطبوعات علمی هند با عناوینی چون «Islam and the Modern age» (اسلام و عصر جدید)، «Journal of objective studies» (مجله مطالعات عینی)، «Aligarh Journal of Islamic Philosophy» (مجله فلسفه اسلامی علیگره)، «Islamic Times» (Radiance) (تابش)، علوم القرآن و الرسالة، می درخشند. Muslim India از مجلات قابل توجهی است که گزارشهای مستندی از جزئیات مشکلات جاری مسلمانان هند به عنوان یک اقلیت ارائه می کند. دیگر مجله آن خطه «کشمیر» نام دارد.

تقریباً در پنجاه سال گذشته مجله «Glasnik» تنها صدای مسلمانان بوسنیایی و منبع حیاتی تاریخ اسلام در بالکان بوده است. نسل کشی مسلمانان بوسنی که همچنان جریان دارد، ادامه نشر این مجله را ناممکن ساخته است. مجله «Islamic Misao» (در ساریوو) نیز دچار همین سرنوشت شده است. ترکیه رسماً به عنوان دولتی سکولار شاهد رشد بی سابقه متون اسلامی در قرن بیستم بوده است. بدیع الزمان سید نورسینور، کار طولانی انتشاراتی خود را با مشارکت در مجلاتی چون «Islamic arastirmalar» (دیانت، اسلام (در استانبول)، Gene Akademi و بیلگی و حکمت ادامه می دهد. در اندونزی نیز عناوین اسلامی در حال شکوفایی هستند که از جمله می توان این مجلات را نام برد: «الحکمه»، «علوم القرآن»، «قبله»، «بستری» و «اذان».

تعداد بسیاری از پایاندها پس از انقلاب اسلامی در ایران پا گرفته اند. مجلاتی چون «التوحید» «محبوبه»، «Echo of Islam» و پیام ثقلین با نشر چند زیانه خود متمایزند.

مسلمانان آسیای مرکزی با عرضه پیکره تنومندی از متون در حال کسب شهرت هستند. احتمالاً «Journal of central Asia» (مجله آسیای مرکزی) بهترین مجله در این عرصه به شمار می رود. دیگر عناوین عبارتند از: «AACAR Bulletin» (مرجع دوسالانه ای بسیار سودمندی در عرصه مطبوعات)، «Central Asia» (آسیا مرکزی). «Central Asia Brief».

«Central Asia Monitor» و «Central Asia Survey».

مجله مطالعات فلسطینی «Journal of palestine studies» تنها و مهمترین منبع دارای مقالات علمی درباره فلسطین است. گزارش واشنگتن درباره امور خاورمیانه «Washington Report on Middle East Affairs» به داشتن رویکرد بی طرفانه شناخته شده است. مجله «The united Nations Relief and works Agency's palestine» امروزه نشریه رسمی درباره آوارگان فلسطینی به شمار می رود. دیگر نشریات مربوطه عبارتند از «الفجر»، «Human rights up date»، «Israel and palestine»، «political Repori»، «American View»، «April 17» و «Breaking the siege». مرکز تحلیل سیاسی فلسطینی، مستقر در واشنگتن، گاه گاه روزنامه ها و گزارشهایی منتشر می کند.

در دهه های اخیر اجتماعات اقلیتی مسلمانان مقدار قابل توجهی آثار پیاپندی منتشر کرده اند. مهمترین کار علاوه بر این آثار مجله ای است درباره خود اقلیتهای مسلمان است به نام «Journal Istiute of Muslim Minority Affairs» که در جده منتشر می شود. این مجله که مرحوم دکتر سید زین العابدین مؤسس آن بود، ممکن است در آینده یکی از معدود مجلات اسلامی با شهرت بین المللی گردد.

در انگلستان و آمریکا، دو مجله «The Muslim» و «Islamic Horizons» به ترتیب طلیعه ظهور شماری از پیاپیتهای جاری بودند. در کانادا «Crescent Internotional» (هلال بین المللی احتمالاً قدیمی ترین نشریه در نوع خود است. مسلمانان استرالیایی با انتشار «Insight» (بصیرت) و سپس «Australasion Muslim Times» گوی سبقت را ربودند. مجله لندن «Impact International» (نفوذ بین المللی) از میان کهنترین مجلات نیمه آکادمیک می کوشد، نفوذی در سراسر جهان به دست آورد. در نشر فصلنامه اسلامی «Islamic Quarterly» در لندن افولی غیر متعارف مشاهده می شود. مجله «Muslim wise» صدای تازه و پر شور جوانان مسلمان، در تاریخ ژورنالیسم مسلمانان، به سبب ابتکار عمل و جسارت خود به یاد خواهد ماند. هفته نامه نوگرای دیگری جانشین آن شد به نام «Muslim update» که بوسیله فاکس چاپ می شد، اما عمر آن کوتاه بود. خوشبختانه هفته نامه «Q. News» که بوسیله همان گروه نویسندگان جوان و متعهد منتشر می شود انعطاف بیشتری از خود نشان داده است.

Journal of Arabic» (دربرونشی . دارالسلام)، «literature»، «Revue de la lexicologie» و «Islamic Eebivat» (ادبیات اسلامی) در استانبول. دیگر عناوین این حوزه شامل «العربیة»، «ادبیات»، و «Journal of Afro-Asiatic» است. مجله «Muslim Musings» (متفکران مسلمان) عنوان تازه و تحریک آمیزی است بر صحنه ادبیات.

در زمینه حقوق اسلامی کمبود مشخصی به چشم می خورد؛ فصلنامه اسلامی و حقوق تطبیقی «Lamicand Comporative Law auarterly» تنها مجله برجسته این عرصه است. دو مجله که دانشگاه بین المللی اسلامی کوآلا لامپور آنها را با عنوانهای «Ilu law Journal» و «Syariah law Journal» منتشر می کرد، اینک متوقف شده اند. مجله «Journal perundangan» (در کوآلا لامپور) انتشار نامنظمی دارد. مجله «Journal Syariah» انتشار خود را تحت حمایت دانشگاه مالایا آغازیده است. دیگر عناوین این حوزه عبارتند از: «Arab law Quarterly»، «Fصلنامه حقوق عربی»، و «rab law and Society» (حقوق عربی و جامعه).

در میان مجلات تخصصی، «Journal of Islamic Science» برجسته ترین عنوان به شمار می رود. این تنها مجله در نوع خود است که به دانش نو و تکنولوژی از منظری اسلامی می نگرد. دیگر عناوین مربوطه عبارتند از «Islam Today»، «Science and tecnology in the Islamic world»، «kesturi»، «علم و صنعت» «Journal of the Islamic Acade my of Science» و «Islamic thought and Scientific Creativity».

تنها معدودی از پیایندها مسائل آموزشی اسلامی را عنوان می کنند. فصلنامه «Muslim Education Quarterly» زاده نخستین کنفرانس بین المللی آموزش اسلامی در مکه مکرمه در سال ۱۹۷۷ میلادی است که تاکنون نشر آن ادامه دارد. مجله دیگری در کوآلا لامپور با عنوان «Journal pendidikan Islamm» منتشر می شود. مجله جدید دیگری نیز در ایالات متحده با عنوان «Muslim teachers college Journal» منتشر می گردد.

گرایش جدید به اقتصاد اسلامی موجب فزونی متون در این حوزه شده است. مجلات برجسته در این موضوع عبارتند از: «Journal of Islamic Economics»، «مجله اقتصاد اسلامی»، «New Humanomics»، «Pakistan Development Review»، «Horizon» (افق جدید)، «American Journal of Islamic Finance»، «Journal of Economics cooperation among Islamic Countries»، «Middle East Business Economic Review»، «Islamic Economic Studies»، «Journal of

Muslim News» مجله جدید مؤثر دیگری است. دو مجله خارج از لندن که اینک دیگر از رده خارجند نیز قابل ذکرند. «افکار» و «Arabia» (عربستان) که هر دو خوانندگان فراوانی را در بسیاری از کشورهای اسلامی سرگرم می کردند.

«مجله بین المللی اسلامی و مطالعات عربی» «International Joutnal of Islamic and Arabic studies» که در بلومینگتون ایندیانا منتشر می شود نخستین مجله مسلمانان آمریکاست که استانداردهای رایج مجلات علمی را به دست آورده است. بعدها مجله «American Journal of Islamic social sciences» با رهیافت اسلامی کردن دانش ظاهر شد. اینک، «مناره»، «Inquiry» و «Message» (پیام) از مجلات جافتاده جامعه مطبوعات به شمار می روند، در این حال مجله «New Trend» (روند تازه) همچنان خوانندگان وفادار خود را حفظ می کند.

«American Muslim» مجله نسبتاً جدیدی است با جذابیت فراوان و کشش گسترده. مجله «Muslim Media watch» «Newsletter» نخستین کوشش سیستماتیک در عرصه بررسی رسانه های گروهی به وسیله مسلمانان است. جامعه آفریقایی-آمریکایی، دو مجله معتبر دارند:

«Muslim Journal» و «Final Call» (آخرین اصلی ترین مجله خواندنی جامعه عربهای آمریکا، «ADC Times» است. سالیانی است که مسلمانان هنگ کنگ، سنگاپور، تایوان، ژاپن، جزیره موریس و کشورهای اتحادیه، با جدیت مجلات «Islam in Hong kong Muslim Herald»، «Muslim Reader»، «china» (اسلام در چین)، «السلام»، «Lacroissant»، و «الاسلام» را به ترتیب منتشر کرده اند. مجله النهضه (در کوآلا لامپور) به سبب پوشش سراسر منطقه ای خود، مشهور است.

مسلمانان اسپانیا نیز با انتشار عناوینی چون «لام الف»، «بولتن بسم الله» و «احسان» بر صحنه مطبوعات ظاهر می شوند. مسلمانان جنوب آفریقا پایگاه مطبوعاتی نیرومندی دارند. «القلم»، «مجلس»، «Muslim Views»، «العلم» (به دو زبان) و «الاسلام» (در کیپ تاون) برخی از عناوین پرتیراژ به شمار می روند.

درباره زبان و ادبیات عربی، برخی مجلات استاندارد عبارتند از: «اللسان»، «العربی»، «Journal of Arabic»

طب اسلامی موضوع اصلی سه مجله است که *Journal of the Islamic Medicine* بهترین آنها به شمار می‌رود، *Journal of the Medical Association of North America* و *Islamic Medical Association of south Africa*.

مجله *Islamic world medical Journal* اندکی پس از انتشار در لندن، متوقف شد. مجله قابل تحسین *Journal of the Islamic Republic of Iran* (مجله پزشکی جمهوری اسلامی ایران) را باید به جمع فوق افزود. مجله «جهاد و توحید» تنها پایبند اسلامی است که به موضوع ایدز می‌پردازد.

تحقیقات و مطالعات درباره زنان در نشریات آکادمیک جهان اسلام چشمگیر نیست؛ با این حال عناوینی چون «محبوبه»، «آمی» (مادرم)، «الورده»، «مسلمه» (*Mother's sense*) (حس مادری)، «*Muslim Family*» (خانواده مسلمان)، «*Soembike*» (در قازان روسیه)، «*Islamic sisters International*» و «کدین و ایله» نشان دهنده رویکردی اسلامی به مسائل زنان و خانواده است. حداقل چهار مجله به سبب پرداختن به امور زنان مسلمان از منظر فمینیستی مهمند. این مجلات عبارتند از: «شرکت گاه نیوزلتر»، «احفاد جورنال»، «نیمه دیگر» و «*Women living under Muslim laws*».

متأسفانه هنر، صنایع دستی و معماری اسلامی، از جمله عرصه‌هایی است که در میان پایبندهای اسلامی از آنها غفلت شده است. پیشوای بی‌رقیب در هنر اسلامی، مجله *Arts and the Islamic world* (هنرها و جهان اسلام) بود؛ اما پس از انتشار حدود بیست شماره به دلیل نداشتن سرمایه تعطیل شد و مجله *EAstern Art Report* (گزارش هنر شرقی) نیز به همین سرنوشت دچار گشت. مجله *ICA Newsletter* که مرجع سودمندی است، احتمالاً آخرین امید محققان هنرهای اسلامی است. انتشار مجله تحسین برانگیز «معمار» اینک متوقف شده است.

در عرصه متون مربوط به مطالعات بین‌الادیان نیز رشد مشهودی دیده می‌شود. برخی از مجلات این حوزه عبارتند از: «*Focus on Christian-Muslim Relations*» (تمرکز بر ارتباطات مسیحی-مسلمان) «*Islamo christional*»، «*Henry Martin Institute of Islamic studies Bulletin*» (بولتن انستیتوی اسلامی هنری مارتین) و «*Islam and christian Muslim Relations*» (اسلام و ارتباطات مسیحی-مسلمان). در زمینه منابع پایبندی مرجع (راهنمای کتاب و مجلات)

«*Muslim world Book Review*» نمونه قابل توجهی است که تنها مجله *Digest of Middle East studies* می‌تواند در مواردی با آن رقابت کند. پیوست *Index of Islamic Literature* که همراه با هر شماره *Muslim Book Review* منتشر می‌شود، منبع کتابشناختی اسلامی مفیدی به زبان انگلیسی است. در مورد مواد عربی، «عالم الکتب (در ریاض) مرجعی عالی به شمار می‌رود. «فصل کتاب» [احتمالاً فصلنامه کتاب درست است] درباره انتشارات فارسی مفید و مناسب است. «*Periodica Islamica*» که بوسیله منور احمد انیس [نویسنده همین مدخل] منتشر می‌شود، به عنوان برجسته‌ترین مرجع جاری دانش در میان نشریات اسلامی که از منظر چند رشته به آنها می‌نگرد، سرویس می‌دهد.

سرانجام، مطالعات میان رشته‌ای، مجلات جدیدی پدید آورده است که برخی از تازه‌ترین آنها عبارتند از «الکلام» (در لاهور) و «الادواء» (در لاهور).

از زمان سید جمال تا علامه قطب، نشریات اسلامی رو به کمال بوده و بطور ملموسی آماده بهره‌برداری و ارزیابی است. شکافهایی میان کیفیت تولید و عدم انعطاف سردبیران به چشم می‌خورد؛ آشکارا عرصه‌ها و زمینه‌هایی که محققان مسلمان در آنها و برای کمال بیشتر فعالیت می‌کنند، مغفول‌عنه واقع شده است. اینک زمان آن فرارسیده است تا محققان مربوطه به طور انتقادی وضع انتشار پایبندها را در جهان مسلمان ارزیابی کنند.

منبع

The oxford Encyclopedia of the Modern Islamic world

نیویورک: انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۱۹۹۵.

